



# امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ساعت برگزاری: ۹۰ دقیقه صبح ۱۷: ...

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

مهر مدرسه

کد امتحان:	۲۴۰۰۲/۰۷-۲
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۷
عنوان:	منطق ۳
کتاب:	دروس فی علم المنطق
محدوده:	از ابتدای صناعات خمس تا ابتدای صناعه الخطابیه (ص ۲۲۴-۲۳۱)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرسه علمیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

۱- قضیه: «رنگ این دیوار سفید است» جزء کدام قضایا است؟ ص ۲۳۴

- الف. مشاهدات
- ب. تجربیات
- ج. وجدانیات
- د. فطریات

۰/۵

۲- کدام قضایا، واقعی جز توافق آراء عقلاء ندارند؟ ص ۲۴۰

- الف. مشهورات صرفه
- ب. مضمونات عقلائییه
- ج. واجبات القبول
- د. متواترات

۰/۵

۳- کدام صناعت مفید تصدیق غیر جازم است؟ ص ۲۵۴

- الف. خطابه
- ب. مغالطه
- ج. جدل
- د. شعر

۰/۵

۴- عبارت: «هو الاصل او القاعدة الكلية التي تتفرع منها قضایا مشهوره» تعریف کدام است؟ ص ۲۸۶

- الف. الموضع
- ب. المطلب
- ج. الشهرة
- د. الوضع

۰/۵

۵- موطن مغالطه «ابهام انعكاس» کجاست؟ ص ۳۱۴

- الف. عکس نقیض
- ب. تألیف قضیه‌ها
- ج. عکس مستوی
- د. قیاس

۰/۵

۶- در قیاس: «هرگاه باران بیارد، هوا ابری است - لکن هوا ابری است - پس باران می‌بارد» چه مغالطه‌ای به کار رفته است؟ ص ۳۱۷

- الف. مصادره به مطلوب
- ب. سوء اعتبار حمل
- ج. سوء تألیف
- د. ممارات

۲

۷- قضایای فطری (فطریات) در منطق را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۳۸

جواب: قضایایی که دلیشان همراه خودشان است مانند قضیه «عدد دو نصف چهار است» در این مثال صرف تصور عدد دو و نصف چهار و نسبت بین آن دو موجب تصدیق آن نمی‌شود چنین اذعانی نیازمند استدلالی است که در ذهن حضور دارد هر چند به آن توجه و التفاتی نباشد: «چهار به دو و مساوی آن تقسیم می‌شود، هر گاه عددی به دو و مساوی تقسیم شود نصف آن عدد است، پس دو نصف چهار است.»

۸- برهان اثنی «دلیل» را با مثال توضیح دهید. ص ۲۶۱

۲

جواب: اگر چه اوسط علت اثبات اکبر برای اصغر است اما در خارج معلول ثبوت اکبر برای اصغر است مانند: «این فلز منبسط شده است، هر منبسط شده‌ای حرارت دیده است پس این فلز حرارت دیده است» در این مثال اگر چه انبساط علت اثبات حرارت برای این فلز است اما در واقع، خود حد اوسط (انبساط) معلول حد اکبر (حرارت) می‌باشد.

۲

۹- منظور از «اولی» از صفات مقدمات برهان را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۶۶

جواب: تعریف اولی: حمل اولی در باب برهان یعنی محمول بر موضوع بدون واسطه حمل شود مانند حمل ایض بر سطح، اولی است ولی حمل ایض بر جسم با واسطه فی العروض می‌باشد.

۲

۱۰- چهار وجه نیاز به استعمال جدل به جای برهان را بنویسید. ص ۲۷۱ س ۴

جواب: ۱. از آنجا که حق در هر حال یکی است پس برهان هر مسئله هم یکی است و تنها یکی از طرفین دعوی می‌توانند از آن استفاده کنند و طرف دیگر ناچار است که برای تأیید مطلوبش از جدل استفاده کند. ۲. جمهور مردم نمی‌توانند مقدمات عقلیه را درک کنند و غرض مجادل اسکات خصم مقابل مردم است در نتیجه نیازمند جدل است. ۳. بدین گونه نیست که هر کس بتواند اقامه برهان کند و هنگامی که یکی از طرفین دعوی، عاجز از اقامه‌ی برهان مجبور است به جدل پناه ببرد تا حرف خود را اثبات یا طرف را مجاب کند. ۴. برای آموزش افراد مبتدی قبل از اینکه عقلشان قوت پیدا کند تا بتوانند برهان را بفهمند. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند]

۲

۱۱- چهار مورد از تعلیمات ویژه مجیب را بیان نمایید. ص ۲۹۳

جواب: ۱. سعی کند به جای مجیب بودن سائل شود. ۲. پریشان کردن سائل و وقت کشی. ۳. امتناع از اعتراف. ۴. به صراحت اعلان نکند که انکار مشهور کرده است. ۵. مناقشه در ملازمه بین مشهور معترف به آن و بین نقض وضعش.

۲

۱۲- هریک از موارد زیر، چه نوع مغالطه‌ای است؟ وجه مغالطه بودن آن را تبیین نمایید. ص ۳۱۴ - ۳۰۶

الف) «مَنْ أَفْضَلُ أَصْحَابِ الرَّسُولِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بَعْدَهُ؟ قَالَ: مَنْ بَنَتْهُ فِي بَيْتِهِ»:

جواب: مغالطه ممارات زیرا با توجه به عود ضمیر دو معنا دارد هم می‌توان حضرت علی (ع) را مصداق آن دانست هم ابوبکر را.

ب) «قَدِیْظَنُ الظَّانُّ أَنْ كُلَّ سَعِيدٍ لَابِدٌ أَنْ يَكُونَ ذَا ثَرَوَةٍ، حِينَمَا يَشَاهِدُ أَنْ كُلَّ ذِي ثَرَوَةٍ سَعِيدٌ»:

جواب: مغالطه ایهام انعکاس زیرا عکس مستوی قضیه موجب کلیه، موجب جزئی است یعنی «بعض سعید لابد آن یکنون ذا ثروة» در حالی که مغالط موجب کلیه نتیجه گرفته است که غلط است.

۲

۱۳- مغالطه «اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۳۱۴

جواب: در مغالطه «اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات» بجای جزء قضیه، عارض یا معروض [و یا لازم یا ملزوم] آن ذکر می‌شود مثلاً با توجه به قضایای «هر آبی طاهر است» و «هر آبی تا وقتی که کر است با ملاقات با نجاست نجس نمی‌شود» کسی گمان کند «هر طاهری تا وقتی که کر است با ملاقات با نجاست نجس نمی‌شود» که در این مثال شخص گمان کرده است خاصیت عدم نجاست ملاقی در صورت کر بودن، خاصیت طاهر به ما هو طاهر است نه خاصیت آب طاهر.